



شماره ثبت: ۳۱۳۵

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	مرور مباحث گذشته.....
۲	ادله آیات برای طبقه‌بندی سوم.....
۲	ادله روایات برای طبقه‌بندی سوم.....
۲	ملاک کبیره.....
۳	نظریات در مورد کبیر بودن گناه کذب.....
۳	کبائر کذب.....
۴	ادله نظریه اول.....
۴	دلیل اول.....
۴	دلیل دوم.....
۴	دلیل سوم.....
۴	اشکال آقای خویی (ره).....
۵	دلیل مرحوم آیت الله تبریزی (ره).....
۵	ادله‌ی قول مقابل.....
۵	دلیل اول.....
۶	دلیل دوم.....
۶	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۶	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۷	جواب نظر آیت الله تبریزی (ره).....



مرور مباحث گذشته

در جلسه قبل عرض کردیم کبیره دارای سه معنا است:

۱. کبیره به نحو مطلق که مقسم ندارد. هر گناه، آلودگی است و ترک حرمت مولا است. در این نظر اختلاف وجود ندارد
۲. کبیره به مفهوم نسبی که تمام گناهان جز اولین و آخرین گناه، (میان شرک و صغیرترین گناه) صغیره و کبیره می‌شوند. این هم محل وفاق است.
۳. تقسیم بندی علی الطلاق است که بعضی از گناهان صغیره هستند و بعضی کبیره هستند. این محل اختلاف است.

ادله آیات برای طبقه‌بندی سوم

مشهور قائل هستند که مفهوم سوم درست است. یعنی معاصی به کبائر و صغائر جدای از هم تقسیم می‌شوند. استدلال این هم آیه شریفه: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا»^۱ و آیه دیگر که خداوند می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَخْطِمْكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»^۲.

ادله روایات برای طبقه‌بندی سوم

علاوه بر آیات، صغائر و کبائر را از هم جدا کردند. این روایات در ابواب جهاد النفس، باب ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ آمده است. شیخ صدوق نیز در انتهای باب ۴۶ نیز مطلب آقای خویی (ره) را عرض می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: همه گناهان کبیره هستند.

ملاک کبیره

در یکی از روایات معصوم (ع) می‌فرماید:

^۱ نساء، آیه ۳۱

^۲ نمل، آیه ۱۸



شماره ثبت: ۳۱۳۵

«وَفِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَبَادِ بْنِ كَثِيرٍ النَّوَّاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْكِبَائِرِ فَقَالَ كُلُّ مَا أَوْعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ.»^۱

کبائر چیزی است که وعده عذاب به آن‌ها داده شده است.

یا اگر بتوانیم این مطلب را از قرآن استشهاد بکنیم، وقتی که در روایت آمده باشد این کبیره است، ملاک برای ماست.

نظریات در مورد کبیر بودن گناه کذب

همان‌طور که عرض کردیم دو نظریه وجود داشت:

۱. کذب مطلقاً از کبائر است. شیخ (ره)، تبریزی (ره) بر این واقف‌اند.
۲. کبیره نیست. این نظر را امام (ره)، آقایی خویی (ره)، سبحانی (ره) موافق‌اند. البته به این معنی نیست که هیچ کذبی از کبائر نیست.

کبائر کذب

۱. کذب علی الله و الرسول. این مصداق مورد موافق همه است.
 ۲. افترا بر دیگران. بعضی گفته‌اند افترا مطلقاً کبیره است. در اینجا گفته شده است که افترا علی وجه الاطلاق در آیات اشاره شده است. این مطلب را آقای تبریزی (ره) فرموده‌اند.
 ۳. حلف کاذب. حلف کاذب در بعضی از روایات آمده است.
 ۴. شهادت دروغ. در محکمه شهادت دروغ خوردن، به‌عنوان کبائر اعلام شده است.
 ۵. کذاب. در مورد کذاب، تعابیر تندی آمده است.
- اگر به طبیعت کذب (کذب بما هو کذب) رجوع کنیم، باید ببینیم از کبائر یا صغائر است.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۱۷



شماره ثبت: ۳۱۳۵

ادله نظریه اول

دلیل اول

روایتی در باب ۴۶ ابواب جهاد النفس وجود دارد.

این روایت اعمش است. در این روایت کبائر را برمی‌شمارد و دقیقاً کذب را به عنوان کبائر اعلام می‌کند. البته این روایت از لحاظ سندی ضعیف است.

دلیل دوم

روایت دوم در کتاب حج، ابواب احکام العشرة، باب ۱۳۸ است.

دلیل سوم

«وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَجَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَالْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ.»^۱

شروع در صندوق‌هایی است که بر آن قفل زده شده است. یکی از کلیدهای آن صندوق‌های خمر است. در ادامه کذب را بدتر از شرب خمر می‌داند. وقتی شرب خمر از کبائر است، کذب را بدتر از آن می‌داند، قطعاً این هم از کبائر است.

اشکال آقای خویی (ره)

«الْكَذِبُ شَرٌّ مِنَ الشَّرَابِ» اطلاق ندارد. زیرا اگر کسی در مقام تراحم بین شرب خمر و دروغ رابطه‌ای را ایجاد کردیم. شرب خمر را باید کنار بگذاریم. ذات کذب آن قدر کبیر نیست که از شرب خمر کبیرتر باشد.

نظیر این روایات جاهای دیگر وجود دارد. مثلاً در غیبت می‌گوید که از چندین زنا حرام‌تر است. قطعاً در مقام تراحم این چنین نیست. این‌ها به خاطر بازدارندگی است. چون انسان زیاد به این‌ها مبتلا می‌شود، می‌خواهد منع کند.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۴



شماره ثبت: ۳۱۳۵

کذاب در بسیاری از روایات، اشاره شده است و احتمالاً منظور در این روایت، کذاب است. تکرار کذب و کذاب یک نوع کبیره است که شاهدش در روایات دیگر نیز وجود دارد.

دلیل مرحوم آیت الله تبریزی (ره)

در باب ۴۶ جهاد النفس، حدیث دوم را عرض می‌کنم. این حدیث معتبره است. امام (ع) در اینجا کبائر را برشمرده‌اند. در اینجا اسمی از کذب نیست ولی با شکل دیگری استدلال کرده‌اند. احاطه‌ی آیت الله تبریزی (ره) بر روایات باعث این استدلال می‌شود. ایشان می‌فرمایند که شرب خمر از کبائر است، زیرا در قرآن در کنار بت‌پرستی، نقل شده است. این مطلب نشان می‌دهد که اگر چیزی در قرآن مورد نهی قرار گرفته باشد، یا در کنار چیزی که نهی قرار گرفته است بیاید، گناه کبیره حساب می‌شود.

در ادامه ایشان می‌فرمایند: اگر عرض مذکور را بپذیریم. مصداق «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^۱ قطعاً کذب را دربر می‌گیرد. و این کنار «الاثان» است. پس حتماً این از کبائر است.

ادله‌ی قول مقابل

ادله‌ای که اشاره می‌کند، کذب کبیره نیست.

دلیل اول

در روایتی آمده است:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْمَجَالِسِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْزَانَ الْقُنْدِيِّ عَنْ أَبِي وَكَيْعٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبَّيْعِيِّ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: لَا يَصْلُحُ مِنَ الْكُذْبِ جِدٌّ وَلَا هَزْلٌ وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيهً ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ إِنَّ الْكُذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَالْفُجُورَ يَهْدِي»^۲

^۱ حج، آیه ۳۰

^۲ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵۰



شماره ثبت: ۳۱۳۵

معنای «الْكُذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ» این است که خود کذب، مشکلی ندارد، فقط به خاطر اینکه راهی برای فجور است مورد مذمت قرار گرفته است. البته این استدلال خیلی صحیح نیست. اولاً روایت معتبر نیست. اگر معتبر هم باشد، باید گفت فعلی که راهی برای تمام کبایر است، خود گناه بزرگی است نه اینکه کوچک باشد.

دلیل دوم

دلیل‌های دیگر نیز بر این مطلب آورده شده است. مهم‌ترین دلیل روایت نهم باب ۱۳۸ احکام العشرة است. این روایت معتبر است. «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْكُذَّابُ هُوَ الَّذِي يَكْذِبُ فِي الشَّيْءِ قَالَ لَا مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا يَكُونُ ذَاكَ مِنْهُ وَلَكِنْ الْمَطْبُوعُ عَلَى الْكُذِبِ.»^۱

حجم زیادی از ادله‌ی تحریم کذب، متمرکز بر عنوان کذاب است. عبدالرحمن بن الحجاج می‌فرماید: کذاب یعنی «یک‌دب فی الشیء». در اینجا عنایت مبالغه نکرده است. کذاب یعنی کسی دروغ می‌گوید نه اینکه کسی مکرر و دروغ‌های بزرگ می‌گوید. حضرت می‌فرمایند: خیر، معمولاً انسان‌ها دروغ می‌گویند. کذاب یعنی کسی که طبعش کذب شده است. یعنی انسان دروغ‌گو.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت صحیح است. علی بن ابراهیم بیش از هشت هزار حدیث روایت کرده است. پدر ایشان نیز چنین است. ابن حجاج درست است زمانی انحراف کرد ولی برگشت و زمان امام رضا (ع) را درک کرده است. ایشان تعریف زیادی شده است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

بعضی‌ها از این استفاده کرده‌اند که کذب ذاتاً حرام نیست. البته این بعید است ولی می‌توان گفت که کذب بما هو کذب از کبائر نیست. البته مواردی که تخصیص خورده‌اند، شامل کبائر می‌شوند. در این روایت امام (ع) می‌خواهند اهمیت کذاب را نسبت به کذب بیان کنند نه اینکه شرایط کذاب را بگویند.

البته این روایت تحریم کذب را بر نمی‌دارد بلکه بار کذب را سبک می‌کند.

^۱ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴۵



شماره ثبت: ۳۱۳۵

اگر دلالت را بپذیریم، این دلالت مقدم بر جواب آیت الله تبریزی (ره) می‌شوند.

جواب نظر آیت الله تبریزی (ره)

آیت الله تبریزی با استفاده از نکته‌ای در روایت، به بحث ما تسری داده می‌شود. البته این جواب صحیح نیست. در اینجا، بقیه ادله سنداً یا دلالتاً ضعیف هستند.